

حقیقت چیست؟ - شماره دو

سخنان نبوت این کتاب را مهر و موم مکن.

Jeff Pippenger

2023-09-05

نشان داده شده است که تاریخ 11 اوت 1840 تا 22 اکتبر 1844 همان تاریخی است که توسط هفت تندر نمایانده شده است؛ هفت تندی که تا اندکی پیش از پایان دوران امتحان مهر و موم شده بودند. در این مقاله، ابتدا بخشی از آنچه درباره معنای نمادین هفت تندر شناسایی کرده‌ایم را مرور می‌کنم. ما برای ارائه این حقایق، خطوط تاریخی را یکی بر دیگری می‌نهم. چهار نقطه عطف نبوی از 11 اوت 1840 تا و شامل 22 اکتبر 1844 وجود دارد: قدرت گرفتن پیام فرشته نخست، نخستین ناامیدی، فریاد نیمه‌شب و ناامیدی بزرگ.

یازدهم اوت ۱۸۴۰ به صورت نمادین در واقعه بوتۀ سوزان موسی نمود یافته بود. نخستین ناامیدی در بهار ۱۸۴۴ به صورت نمادین در اقدام همسر موسی، صفوره، هنگامی که با اندوه و هراس پسرشان را ختنه کرد، نمود یافته بود. ندای نیمه‌شب که از ۱۲ تا ۱۷ اوت در اجتماع خیمه‌ای اکستر آغاز شد، به صورت نمادین در ورود موسی به مصر و هشدار نخستین او درباره مرگ نخست‌زادگان مصر نمود یافته بود. ناامیدی بزرگ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به صورت نمادین در وضعیت عبرانیان در کنار دریای سرخ نمود یافته بود.

در زمان پادشاه داوود، بازگرداندن تابوت خداوند توسط فلسطیان نماد ۱۱ اوت ۱۸۴۰ بود. نخستین سرخوردگی در بهار ۱۸۴۴، نمادش دست زدن عزا به تابوت خداوند بود. فریاد نیمه‌شب که در اجتماع اردوگاهی اکستر از ۱۲ تا ۱۷ اوت آغاز شد، نمادش آوردن تابوت به اورشلیم توسط داوود بود. سرخوردگی بزرگ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ نمادش میکال، همسر داوود، بود که چون داوود با تابوت وارد اورشلیم شد او را خوار شمرد.

۱۱ اوت ۱۸۴۰ به صورت نمادین با تعمید مسیح نشان داده شده بود. نخستین ناامیدی در بهار ۱۸۴۴ به صورت نمادین با ناامیدی ناشی از مرگ لعازر نشان داده شده بود. فریاد نیمه‌شب که از ۱۲ تا ۱۷ اوت در اجتماع اردوگاهی اکستر آغاز شد، به صورت نمادین با ورود پیروزمندانۀ مسیح به اورشلیم نشان داده شده بود. ناامیدی بزرگ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به صورت نمادین با ناامیدی ناشی از صلیب نشان داده شده بود.

اشاره کرده‌ایم که این چهار نقطه عطف تنها نمایانگر بخشی از ساختار کامل هر جنبش اصلاحی هستند. ما این چهار نقطه عطف را به عنوان گواهانی بر تاریخی که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، معرفی می‌کنیم. یکی از ویژگی‌های نبوی هر یک از این چهار خط این است که نقاط عطف در هر خط، موضوعی یکسان دارند.

برای موسی، هر چهار نشانه راه با کار خدا در بستن عهدی با قومی برگزیده، در تحقق پیشگویی ابراهیم، مرتبط بودند. در خط اصلاح پادشاه داوود، هر چهار نشانه راه با تابوت خدا مرتبط بودند. در خط مسیح، هر چهار نشانه راه با مرگ و رستاخیز مرتبط بودند.

۱۱ اوت ۱۸۴۰ تأییدی بر اصل «یک روز برای یک سال» بود. نخستین ناکامی در بهار ۱۸۴۴ ناشی از به‌کارگیری ناموفق اصل «یک روز برای یک سال» بود. پیام «فریاد نیمه‌شب» ساموئل اسنو اصلاح و تکمیل آن به‌کارگیری ناموفق اصل «یک روز برای یک سال» بود. این پیام اصلاح‌شده بر اساس اصل

«یک روز برای یک سال» بود و در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تحقق یافت. هر چهار نشانهٔ راه، اصل «یک روز برای یک سال» را نشان می‌دهند.

خواهر وایت به ما اطلاع می‌دهد که هفت رعد نمایانگر رویدادهایی هستند که در جریان پیام‌های فرشته اول و دوم رخ دادند؛ اما او تعلیم می‌دهد که هفت رعد همچنین نمایانگر «رویدادهای آینده‌ای هستند که به ترتیب خود آشکار خواهند شد.» هفت رعد نمایانگر چهار رویداد نبوی هستند که از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ آغاز شدند و در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ پایان یافتند و آن چهار نشان راه در تاریخ ما به همان ترتیب تکرار خواهند شد.

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ پیش‌نمونه‌اش ۱۱ اوت ۱۸۴۰ بود و هر دوی این تاریخ‌ها با اسلام مرتبط‌اند و بدین ترتیب آغاز ادوتیسم را به پایان آن پیوند می‌دهند. هر دو تاریخ ۱۱ اوت ۱۸۴۰ و ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تأییدی بر قاعدهٔ اصلی نبوتی تاریخ‌های مربوط به خود بودند.

در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، فرشتهٔ باب هجدهٔ مکاشفهٔ فرود آمد و در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، فرشتهٔ باب دهٔ مکاشفهٔ فرود آمد. نخستین سرخوردگی «آینده برای آمریکا» پیشگویی نافرجامی دربارهٔ اسلام در ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ بود. پیامی که مهرش گشوده می‌شود، همان‌گونه که فریاد نیمه‌شب در اکستر در تابستان ۱۸۴۴ چنین بود، تصحیح پیشگویی نافرجامی است که پیش‌تر داده شده بود. برای میلاریت‌ها، این تصحیح به کاربرد پیش‌تر نافرجام اصل «روز به سال» مربوط می‌شد که سال ۱۸۴۳ را زمان بازگشت خداوند تعیین می‌کرد. امروز، تصحیحی که پیام فریاد نیمه‌شب میلاریت‌ها آن را نمایندگی می‌کند، باید نشان راهی باشد که نمایانگر اسلام است، همان‌طور که دو نشان راه پیشین چنین بودند. تصحیحی که کار ساموئل اسنو نمونه‌اش بود، به معنای نادیده‌گرفتن پیشگویی نافرجام پیشین نبود، بلکه برای ریزتنظیم همان پیشگویی‌ای بود که پیش‌تر شکست خورده بود.

نامیدان از کتاب مقدس دریافتند که در زمان تأخیر هستند و باید با شکیبایی منتظر تحقق رویا بمانند. همان شواهدی که آنان را بر آن داشت در سال ۱۸۴۳ در پی خداوند خود باشند، آنان را بر آن داشت در سال ۱۸۴۴ چشم‌به‌راه او باشند. نوشته‌های نخستین، ۲۴۷.

امروز، پیامی که پیام برخاسته از گردهمایی اردوگاهی اکستر نمونهٔ آن است، تکمیل پیشگویی پیش‌تر ناکام‌مانده خواهد بود. ناامیدی بزرگ در تاریخ جنبش میلری نمایانگر ناامیدی بزرگی است که در هنگام قانون یکشنبه رخ می‌دهد، اما در چارچوب پیشگویی‌ای دربارهٔ اسلام خواهد بود. پیام ساموئل اسنو تعیین تاریخ دقیق بود. تاریخ درست بود، اما رویداد نادرست. پیام امروز که پیام اسنو نمایندهٔ آن است، پیامی دربارهٔ اسلام خواهد بود که تکمیل آن پیامی است که در نخستین ناامیدی ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ ناکام ماند.

اکنون دیگر پای زمان‌ها یا تاریخ‌ها در میان نیست، زیرا از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به بعد، تعیین زمان دیگر بخشی از پیام نبوی خدا نیست.

«خداوند به من نشان داده است که پیام فرشتهٔ سوم باید منتشر شود و به فرزندان پراکندهٔ خداوند اعلام گردد، و اینکه نباید آن را به زمان وابسته کرد؛ زیرا زمان دیگر هرگز آزمونی نخواهد بود. دیدم که برخی از موعظه دربارهٔ زمان هیجان کاذب می‌گیرند؛ حال آنکه پیام فرشتهٔ سوم از خود زمان نیرومندتر است. دیدم که این پیام می‌تواند بر بنیاد خود بایستد و برای تقویت شدن به زمان نیاز ندارد، و با قدرتی عظیم پیش خواهد رفت، کار خود را انجام خواهد داد، و در عدالت به کوتاهی به انجام خواهد رسید.» تجربه و دیدگاه‌ها، ۴۸، ۴۹.

چهارمین نشانهٔ راه در تاریخ ما باید قانون یکشنبه باشد، زیرا تاریخ‌های مقدس همهٔ خطوط اصلاح که خط بر خط بر هم نهاده شده‌اند، در پیوند با تفسیر الهامی آن تاریخ‌ها از طریق روح نبوت، به‌طور

قاطع گواهی می‌دهند که قانون یکشنبه چهارمین نشانه راه پس از فرود آمدن فرشته مقتدر در تاریخ ماست. چهارمین نشانه راه در تاریخ هفت تندر، که «رویدادهای آینده‌ای هستند که به ترتیب خود آشکار خواهند شد»، باید با اسلام پیوند داشته باشد، بر پایه این واقعیت که همان مضمون همواره در همان چهار نشانه راه در هر جنبش اصلاحی وجود دارد.

اسلام به یک دلیل دوم، بخشی از رویدادهای نبوی در هنگام قانون روز یکشنبه خواهد بود. عیسی، شیر قبیله یهودا، به طور مشخص تاریخ این چهار رویداد را برگرفته و آنها را به منزله نمادی به خودی خود تعریف کرده است. آن نماد «هفت رعد» است. در هر جنبش اصلاحی، نقطه عطف‌های دیگری نیز وجود دارد که هم پیش و هم پس از آن چهار نقطه عطفی که شیر قبیله یهودا به عنوان «هفت رعد» مشخص می‌کند، قرار دارند. به عنوان نمادی به خودی خود، نخستین نقطه عطف تاریخ نمادینی که این چهار نقطه عطف را دربر می‌گیرد، نمایانگر حمله اسلام به ایالات متحده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود. این واقعیت که آلفا و امگا پایان را با آغاز یکی می‌شمارند، حضور اسلام را در قانون روز یکشنبه تثبیت می‌کند، زیرا نخستین آن چهار نقطه عطف، حمله اسلام در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود؛ بنابراین نقطه عطف چهارم و آخر نیز باید حمله‌ای از سوی اسلام علیه ایالات متحده باشد.

کاملاً ممکن است که قانون یکشنبه حمله دیگری از سوی اسلام به شهر نیویورک باشد، و این به عنوان پایانی که با آغاز شناخته می‌شود به حساب خواهد آمد، اما دست کم یک حمله از سوی اسلام خواهد بود، طبق پیش‌بینی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰.

ما همچنین اشاره کرده‌ایم که آلفا و امگا تاریخی را درون آن چهار تاریخ پنهان کرد. در واقع، آن تاریخ درونی پنهان، وحی اصلی‌ای است که اکنون در ارتباط با فرمان «سخنان نبوت کتاب مکاشفه را مهر نکن» آشکار می‌شود. آن تاریخ درونی پنهان زمانی شناخته می‌شود که در میان چهار نشان راه که هفت رعد نماینده آنها هستند، می‌بینیم دوره‌ای وجود دارد که با یک سرخوردگی آغاز می‌شود و با یک سرخوردگی پایان می‌یابد. از رسیدن فرشته دوم تا رسیدن فرشته سوم در تاریخ میلری، تاریخ مشخصی است که خود نمادی مستقل است. این دوره با پیام فرشته‌ای آغاز می‌شود که باید خورده شود و بدین‌سان زمان درنگ در مثل ده باکره را نشان می‌کند. سپس فریاد نیمه‌شب را مشخص می‌کند که آن نیز پیامی است که باید خورده شود و سپس به رسیدن پیام سوم که باید خورده شود منتهی می‌شود.

خط داخلی پنهان درون خط هفت رعد، به طور نبوی نه تنها با آغازی که نمایانگر ناامیدی است، و با آمدن یک فرشته و پیامی برای خوردن، که سپس در ناامیدی بزرگ تکرار می‌شود، تأیید می‌شود، بلکه با «حقیقت» نیز تأیید می‌شود.

واژه عبری "ēmet" که به «حقیقت» در عهد عتیق ترجمه شده است، به وسیله آن زبان‌شناس شگفت‌انگیز با استفاده از نخستین حرف الفبای عبری، سپس سیزدهمین حرف الفبا، و در پایان آخرین حرف الفبا ساخته شد تا واژه‌ای را پدید آورد که به «حقیقت» ترجمه شده است. ما نشان داده‌ایم که آن حروف نماینده اصل قاعده ذکر نخستین‌اند، اصلی که پایان را از آغاز مشخص می‌کند. نخستین حرف، «آلفا» است. حرف میانی سیزدهمین حرف الفبای عبری است و نمایانگر سرکشی است. آخرین حرف، آخرین است، پایان، «امگا». ما نشان داده‌ایم که این سه حرف نماینده سه گام انجیل جاودانی‌اند، همان‌گونه که چند خط نبوی آن را تأیید می‌کنند.

معانی آن سه حرف با معنای هر یک از سه پیام فرشتگان مطابقت دارد. معانی همان سه حرف با فرایند پالایش دانایان و شریران در دانیال فصل دوازده آیه ده، که طی آن «پالوده می‌شوند، سفید می‌گردند و آزموده می‌شوند»، نیز هماهنگ است. سه حرف عبری که کنار هم قرار گرفتند تا واژه «حقیقت» را بسازند، امضای آلفا و امگا را بر خود دارند و سه مرحله‌ای که آنها در پیام فرشته اول

مشخص می‌کنند، «انجیل جاودان» نامیده می‌شوند. آن سه مرحله که آن حروف نشان می‌دهند، همچنین کار روح‌القدس را چنان که در یوحنا فصل شانزده بیان شده است، نمایان می‌کنند.

و هنگامی که او بیاید، جهان را درباره گناه و پارسایی و داوری ملزم خواهد ساخت: درباره گناه، زیرا به من ایمان نمی‌آورند؛ درباره پارسایی، زیرا نزد پدر خود می‌روم و دیگر مرا نخواهید دید؛ و درباره داوری، زیرا رئیس این جهان محکوم شده است. یوحنا ۸: ۱۶-۱۱.

سرخوردگی نخستین به‌عنوان گناه بازنمایی شده است، چنان‌که در موسی، عزرا، مریم و مرتا، و میلری‌ها نشان داده شده است؛ زیرا همان‌گونه که یوحنا باب شانزدهم کار روح‌القدس را در ملزم ساختن درباره «گناه» توصیف می‌کند، علتش این بود که «ایمان نمی‌آورند.» هر یک از نمادهایی که برشمردیم، نمایانگر همان سرخوردگی نخستین‌اند و هر یک از سرگذشت‌هایشان شهادت می‌دهد که آن سرخوردگی بر اثر گناه ایمان نیاوردن به چیزی پدید آمد که پیش‌تر بر آنان آشکار شده بود. نخستین گام، ملزم شدن درباره گناه است. نخستین گام، نخستین حرف الفبای عبری است.

دومین نشانه راه تاریخ پنهان پارسایی است؛ جایی که ظهور قدرت خدا در پارسایی حاملان پیام فریاد نیمه‌شب آشکار می‌شود. آنان در پایان زمان درنگ پارسایی خدا را آشکار می‌کنند، زیرا یوحنا باب شانزدهم می‌گوید مسیح نزد پدر خود رفت و آنان دیگر مسیح را ندیدند. مسیح پیش از تجلی پارسایی درنگ کرده بود. در میان پیروان میلر، هنگامی که مسیح دست خود را برداشت، اشتباه شناخته شد. سپس محتوای پیام اصلاح‌شده دو دسته پرستنده پدید آورد: یک دسته پارسایی را آشکار کردند، زیرا روغن داشتند؛ و دسته دیگر سرکشی‌ای را که با حرف سیزدهم الفبای عبری نمایانده می‌شود، آشکار ساختند.

مسح‌شدگانی که در کنار خداوند تمامی زمین ایستاده‌اند، مقامی را دارند که زمانی به شیطان، کروب پوشاننده، داده شده بود. خداوند از طریق موجودات مقدسی که گرداگرد تخت او هستند، رابطه‌ای پیوسته با ساکنان زمین حفظ می‌کند. روغن زرین نماد فیضی است که خدا با آن چراغ‌های ایمانداران را تأمین می‌کند تا سوسو نزنند و خاموش نشوند. اگر چنین نبود که این روغن مقدس در پیام‌های روح خدا از آسمان فرو ریخته می‌شود، عوامل شر بر انسان‌ها به‌طور کامل تسلط می‌یافتند.

خدا بی‌حرمت می‌شود هنگامی که پیام‌هایی را که برای ما می‌فرستد نپذیریم. بدین‌سان روغن زرین را که می‌خواهد در جان‌های ما بریزد تا به کسانی که در تاریکی‌اند رسانده شود، رد می‌کنیم. هنگامی که ندایی برسد: «اینک داماد می‌آید؛ بیرون روید به استقبال او»، آنانی که روغن مقدس را نپذیرفته‌اند، که فیض مسیح را در دل‌های خود گرامی نداشته‌اند، همچون باکره‌های نادان خواهند دید که برای ملاقات خداوند خویش آماده نیستند. آنان در خود توان به دست آوردن آن روغن را ندارند و زندگی‌شان تباه می‌شود. اما اگر روح‌القدس خدا را بخواهیم، اگر چون موسی تضرع کنیم: «جلال خود را به من بنما»، محبت خدا در دل‌های ما ریخته خواهد شد. به‌وسیله لوله‌های زرین، روغن زرین به ما انتقال خواهد یافت. «نه به قدرت و نه به قوت، بلکه به روح من»، می‌فرماید خداوند لشکرها. با دریافت پرتوهای درخشان خورشید عدالت، فرزندان خدا همچون چراغ‌ها در جهان می‌درخشند. ۲۰، Review and Herald، ژوئیه ۱۸۹۷.

توجه داشته باشید که کسانی که پیام فریاد نیمه‌شب را دریافت می‌کنند، به‌وسیله موسی در غار حورب تمثیل شده‌اند؛ او که از خدا التماس می‌کرد جلال خود را به او نشان دهد. آن دو گروه پیش از فریاد نیمه‌شب، در دوران تأخیر، منش خود را تثبیت کرده بودند.

ما اکنون در روزگاری بس خطرناک زندگی می‌کنیم، و نباید هیچ‌یک از ما در جست‌وجوی آمادگی برای آمدن مسیح تعلل ورزد. مبادا کسی الگوی باکره‌های نادان را دنبال کند و ببندیشد که

می‌توان با خیال آسوده تا رسیدن بحران صبر کرد، پیش از آنکه شخصیت لازم برای ایستادگی در آن زمان را به دست آورد. هنگامی که میهمانان فراخوانده و سنجیده می‌شوند، برای طلبِ پارسایی مسیح بسیار دیر خواهد بود. اکنون زمان در بر کردن پارسایی مسیح است—جامه عروسی که شما را شایسته ورود به ضیافت عروسی بره می‌سازد. در مثل، باکره‌های نادان چنان تصویر شده‌اند که برای روغن التماس می‌کنند و با وجود درخواستشان آن را دریافت نمی‌کنند. این نماد کسانی است که با پرورش شخصیتی توانای ایستادگی در زمان بحران، خود را آماده نکرده‌اند. تعلیم‌دهنده جوانان، ۱۶ ژانویه ۱۸۹۶.

در هنگام فریاد نیمه‌شب، یک گروه روغن لازم را داشت و گروه دیگر نداشت. گام دوم، آشکار شدن عدالت یا بی‌عدالتی در پایان دوره تأخیر است، "زیرا" داماد "به" پدرش، و دیگر مرا نمی‌بینید. رفت. گام دوم سیزدهمین حرف الفبای عبری است. گام سوم در تاریخ پنهان، داوری و ناامیدی بزرگ و آخرین حرف الفباست.

تاریخ پنهانی که در هفت رعد نهفته است، به وسیله واژه «حقیقت»، با ناامیدی آغازین که ناامیدی پایانی را مشخص می‌کند، و با فرشته‌ای که در ابتدا و انتها با پیامی می‌آید، مورد گواهی قرار می‌گیرد. این تاریخ پنهان را تنها کسانی تشخیص خواهند داد که قواعد مطالعه کتاب مقدس را که از سوی عالی‌ترین مرجع داده شده‌اند، پذیرفته‌اند. قواعد میلر در آغاز و «کلیدهای نبوی» در پایان.

با توجه به تاریخ هفت تندر، همان‌گونه که همین‌اکنون بیان کردیم، تأکیدی وجود دارد که باید تکرار و به خاطر سپرده شود. نخستین ناامیدی در هر خط اصلاحی، بی‌اعتنایی به حقیقتی است که پیش‌تر تثبیت شده است. موسی فراموش کرد پسرش را ختنه کند، با آن‌که همان نماد عهدی بود که نبوت ابراهیم بدان اشاره داشت. عزا فراموش کرد که تنها کاهنان می‌توانستند به تابوت دست بزنند. مریم و الیزابت در داستان لعازر گواهی می‌دهند که پیش‌تر از قدرت رستاخیز مسیح آگاهی داشتند. هنگامی که نمودار ۱۸۴۳ تهیه شد، رهبران (به واسطه فشار همتایان) پدر میلر را واداشتند تا آنچه را که همیشه درباره سال ۱۸۴۳ گفته بود، نادیده بگیرد. آن‌ها اصرار کردند که او شهادت تثبیت شده‌اش را، که درباره تاریخ ۱۸۴۳ اندکی جای مانور باقی می‌گذاشت، تغییر دهد و تاریخ ۱۸۴۳ را به عنوان پیش‌بینی تحقق دو هزار و سیصد روز اعلام کند. شهادت میلر نشان می‌دهد که فشار همتایان رهبران دیگر آن جنبش او را بر آن داشت تا تعیین مبهم تاریخ تحقق نبوت را کنار بگذارد و صراحتاً اعلام کند که این امر در ۱۸۴۳ به انجام خواهد رسید.

با فیوچر فور آمریکا، ما می‌دانستیم که هرگز پیام دیگری «آویخته بر زمان» نخواهد بود. فیوچر فور آمریکا در سراسر تاریخ جنبش بارها آن حقیقت را تعلیم داده بود. نخستین ناامیدی همواره مبتنی است بر بی‌اعتنایی به یک حقیقت امتحانی تثبیت شده. این یک بی‌اعتنایی گناه‌آلود نسبت به یک حقیقت بود، اما مهم‌تر از آن، بی‌اعتنایی گناه‌آلود نسبت به قاعده اصلی ویلیام میلر بود که به طور مشخص پایان آن در سال ۱۸۴۴ تعیین شده بود.

و فرشته‌ای که دیدم بر دریا و بر زمین ایستاده بود، دست خود را به سوی آسمان بلند کرد، و به آن که تا ابدالآباد زنده است، که آسمان و آنچه در آن است، و زمین و آنچه در آن است، و دریا و آنچه در آن است آفرید، سوگند یاد کرد که دیگر زمانی نخواهد بود. مکاشفه ۱:۵، ۶.

به گفته خواهر وایت، آن فرشته‌ای که بر خشکی و دریا ایستاده بود، «کسی نبود جز خود عیسی مسیح». فیوچر فور آمریکا یک فرمان مستقیم از عیسی مسیح را نادیده گرفت! شخصاً، تنها با شمار اندکی از کسانی که پیش از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ با آنان در ارتباط بودم تعامل داشته‌ام. از میان آن چند نفر، تنها با دو نفر — که یکی از آن دو اکنون در عیسی آرمیده است — آنچه از کلام خدا درباره تجربه ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ برمی‌آمد را مطالعه و آزموده‌ام. اما بر اساس تاریخ میلری‌ها، که آغاز همان چیزی است که

ما پایان آن هستیم، مطمئنم که از میان کسانی که آن زمان در آن جنبش بودند، هنوز هم کسانی هستند که کاربردهایی از نبوت ارائه می‌کنند که «بر زمان آویخته‌اند». هیچ چیز تازه‌ای زیر آفتاب نیست.

زمان بسیار کوتاه‌تر از آن است که با آن نوع هیجان پیش‌گویانه ادامه دهیم، اما بگذار هر مردی در ذهن خود کاملاً متقاعد شود. و بگذار هر یک از مردانی که در صف کسانی که هنوز با زمان بازی می‌کنند موضع می‌گیرد، همه آن کاربردهایی را که فیوچر فور آمریکا رد می‌کند، رد کند، زیرا آنها چیزی کمتر از توهمات شیطانی نیستند.

خط نبوتی درونی پنهانی که در چهار نشانه‌ی راهی که هفت رعد را تشکیل می‌دهند قرار دارد، همان چیزی است که اکنون به وسیله‌ی شیر قبیله‌ی یهودا گشوده می‌شود. این مقاله صرفاً مروری بر آنچه درباره‌ی واژه‌ی عبری "ēmet" که به «حقیقت» ترجمه می‌شود گفته‌ایم بوده است. این نوشتار به همه‌ی آنچه پیش‌تر به اشتراک گذاشته‌ایم پرداخت، اما هدف این مرور آن است که نشان دهد یوحنا باب شانزدهم آیه‌ی هشتم کاملاً با الگوی نبوتی‌ای که برای خط نبوتی درونی پنهان در هفت رعد پیشنهاد می‌کنیم همخوان است.

هنوز اندکی بررسی بیشتر لازم است پیش از آن که به نتیجه‌گیری‌ای برسیم که در مقاله‌ی بعدی به آن خواهیم پرداخت.

سخنان نبوت این کتاب را مهر و موم مکن، زیرا وقت نزدیک است: هر که ستمکار است، همچنان ستمکار بماند؛ و هر که پلید است، همچنان پلید بماند؛ و هر که عادل است، همچنان عادل بماند؛ و هر که مقدس است، همچنان مقدس بماند. و اینک، به زودی می‌آیم؛ و مزد من با من است تا هر کس را برحسب کارش جزا دهیم. من آلفا و امگا هستم، ابتدا و انتها، اول و آخر. مکاشفه ۱:۱۰-۱۳.